

## پیشوای انقلاب ملل شرق

بدون شک اسم «نریمان نریمانوف» را بسیاری از ایرانیانی که با تاریخ مشروطه آشنایی دارند، شنیده اند. او یکی از مؤثرترین رهبران ایدئولوژیک انقلاب مشروطیت به شمار می رود.

«نریمان» کمیسر اقتصاد در نخستین کابینه ی دولت شوروی بادکوبه تحت ریاست «شاهومیان» بود. در سال ۱۹۱۸ در تعرض عثمانی به «بادکوبه» و به دنبال آن، اشغال آن شهر به وسیله ی نیروهای عثمانی، تمام ۲۶ نفر وزیر کابینه به استثنای نریمان که در آن زمان در روسیه به سر می برد، اعدام شدند. اعدام رفقای نریمان، تأثیر عمیقی بر روحیه ی او نهاد. نریمانوف بعد از مدتی در رأس رده های نهم و یازدهم ارتش سرخ، بعد از درهم شکستن قوای عثمانی وارد «بادکوبه» شد و دولت جدیدی را تحت ریاست خودش تشکیل داد.

نریمان نه فقط عضویت حکومت شوروی ماوراء قفقاز را دارا بود، بلکه کارمند هیئت رئیسه ی کمیته ی اجراییه ی کل روسیه هم بود. دولت مرکزی شوروی و کمیته ی اجراییه بین الملل سوم، او را «پیشوای انقلاب ملل شرق» نامیدند.

پس از مرگ لنین و قدرت گرفتن باند استالین (ارژونیکیزره، ایلیاوا) که اکثراً گرجی بودند، احساسات ملی آنان بر اظهارات بین المللی اشان غلبه کرد.

این سران گرجی در آسیای میانه، بیش از هر جا به جمهوری گرجستان توجه داشتند و نظرشان این بود که مسلمانان و ارمنی‌های قفقاز را از هر جهت دست نشانده‌ی گرجی‌ها بنمایند. مثلاً در سرشماری سال ۱۹۲۸ مقرر داشتند ۲۵ درصد ارمنی‌ها و ۱۶ درصد مسلمانان آبخازستان (یکی از استان‌های قفقاز واقع در کنار دریای سیاه) جزو خاک گرجستان گردد و به این ترتیب اکثریت نام و تمامی از گرجی‌ها به دست آید.

نریمان که از آغاز زندگی با این قبیل تعصبات یکطرفه مخالف بود و دلش می‌خواست تمام ملل قفقاز از ارمنی، گرجی... برابر باشند، آشکارا شروع به انتقاد به این اقدامات نمود. او به زودی از سوی دستگاه جبار استالینی به عنوان مخالف سیستم قلمداد و به وسیله چکا (پلیس مخفی استالین) دستگیر شد. مدتی بعد، شکنجه‌گران استالین، پیکر بی جانش را مخفیانه به خاک سپردند.

عُمال کونسولگری‌های ایران در خارجه، زورگویی و غارتگری را کنار نگذاشته و زحمتکشانی را که از جوّ اختناق آور و ستم‌فروال‌های خونخوار به این کشورها تبعید شده بودند را اذیت می‌کردند. این عُمال ضدانسانی که موارد متعددی از آن در اوایل حکومت بلشویک‌ها در کشورهای آسیای میانه (بخصوص قفقاز) رخ داد، سبب ناراحتی نریمان گردید، او در یکی از سخنرانی‌هایش به دفاع از این مهاجرین پرداخت و گفت:

"باید عُمال کونسولگری تا این اندازه فهمیده باشند و بدانند با کارگران متشکل و مسلح فهمیده‌ی بادکوبه‌زورگویی نمی‌شود کرد. مأمورین کونسولگری باید بدانند که در کشور انقلابی شخصیت و مال و جان و ناموس اشخاص غیرقابل تعرض است."

"اینجا هر کسی هر مقامی داشته باشد نمی تواند به طور دلخواه خود به آزادی مردم تعرض بکند. بادکوبه شهر کارگری و انقلابی است؛ دهات «گرمردود» و «مزلغان» نیست که جلا و مال زحمتکشان در اختیار مأمور دولت باشد. اینجا قانون آهنین دوره ی انقلاب حکومت می کند: که فقط افراد در مقابل آن مسئول هستند. کونسولگری هم باید جلوی مأمورین خود را بگیرد و زشتکاری های آن ها را خاتمه دهد. آبروی کشور خود را نزد خودی و بیگانه حفظ کند و بداند که کارگر انقلابی بادکوبه زیر بار ظلم و فشار و تعدی نخواهد رفت. آقایان باید دندان طمع خود را بکشند و سر جای خود راحت بنشینند تا ژنرال کونسولگری بتواند از قوانین برون مرزی استفاده کرده از دخالت دیگران مصور بماند."

منابع: شوروی و جنبش جنگل به قلم: گریگوری یقیگیان  
اسناد تاریخی به تلاش خسرو شاکری

بازنویس: یاشار آذری

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de/>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳